



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the style and content of the manuscript of the Masnavi "Kanz al-Ma'aref" by Mohammad Hussein Ibn Mohammad Ja'far

M. Bagherzadeh, A.R. Yalmeha*

Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 October 2019
 Reviewed: 01 November 2019
 Revised: 16 November 2019
 Accepted: 05 January 2020

KEYWORDS

Mohammad Hossein ibn
 Mohammad Jafar, Kanzal Maaref,
 Masnavi, Content Analysis,
 Stylistics

*Corresponding Author
 ✉ Ayalameha@yahoo.com
 ☎ (+98 31) 53334051

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Masnavi Kanz Al-Maaref by "Mohammad Hussein ibn Mohammad Jafar" is one of the mystical and valuable works of the 13th century AH. This work has 7078 bits and is composed in the form of Masnavi. In this research, while briefly introducing the author; "Mohammad Hussein ibn Mohammad Ja'far" is one of the poets (13th century AH) and the introduction of his valuable work Masnavi "Kanz al-Ma'aref" examines the stylistic characteristics of this work. This valuable book has not been corrected and published yet, and the only surviving copy, numbered 10-2156, is in the library of the Islamic Consultative Assembly.

METHODOLOGY: This research is based on descriptive-analytical method.

FINDINGS: In this book, the poet tries to express his transcendent and mystical thoughts, which indicate his attention to moral, mystical, religious and educational issues, in a rhythmic and poetic form.

CONCLUSION: The poet has used verses and hadiths to enrich his poems and thoughts. It is noteworthy that he did not use jokes and vulgar words in his poems at all. His firm words have been combined with the observance of politeness and purity of speech and words, and he has made this collection a treasure and a reservoir full of sermons and moral and educational points. In his book, he has often dealt with stories, religious narrations, historical and Islamic events and great personalities such as the Holy Prophet and Ali (AS). In addition to these topics, he is well acquainted with Persian and Arabic literature and sometimes refers to these stories and characters. The study of intellectual, linguistic and literary levels of this work undoubtedly paves the way for the knowledge and thinking and scientific and literary practice of this poet for those who are interested and researchers.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.4923](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.4923)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی سبکی و محتوایی نسخه خطی مثنوی «کنزالمعارف» اثر محمدحسین ابن محمدجعفر

مرجان باقرزاده، احمدرضا یلمه‌ها*

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: مثنوی کنزالمعارف اثر «محمدحسین ابن محمدجعفر» از آثار عرفانی و ارزشمند قرن سیزدهم هجری است. این اثر دارای ۷۰۷۸ بیت میباشد و در قالب مثنوی سروده شده است. در این پژوهش ضمن معرفی مختصری از نویسنده؛ «محمدحسین بن محمدجعفر» از شاعران (قرن ۱۳ هجری) و معرفی اثر ارزشمندش مثنوی «کنزالمعارف»، به بررسی مختصات سبک‌شناسانه این اثر میشود. این کتاب ارزشمند تاکنون تصحیح و چاپ نشده و تنها نسخه باقی‌مانده آن با شماره ۱۰-۲۱۵۶ در کتابخانه مجلس اسلامی قرار دارد.

روش مطالعه: این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.
یافته‌ها: شاعر در این کتاب سعی دارد اندیشه‌های متعالی و عرفانی خود را که گویای توجه وی به مباحث اخلاقی، عرفانی، دینی و تعلیمی است، در قالب کلامی موزون و منظوم درآورد. **نتیجه‌گیری:** شاعر برای غنی کردن اشعار و اندیشه‌های خود از آیات و احادیث بهره جسته است. نکته قابل توجه این است که اصلاً در اشعارش از هزل و کلمات رکیک استفاده ننموده است. کلام متین او با رعایت ادب و پاکیزگی سخن و لفظ درآمیخته و از این مجموعه، گنجینه و مخزنی پر از وعظ و نکات اخلاقی و تعلیمی ساخته است. او بارها در کتاب خود به داستانها، روایات دینی، حوادث تاریخی و اسلامی و شخصیت‌های بزرگواری چون پیامبر اکرم و علی (ع) پرداخته و در کنار این مباحث آشنایی خوبی نیز به ادبیات فارسی و عربی دارد و به این داستانها و شخصیتها گاه اشاره میکند. بررسی سطوح فکری، زبانی و ادبی این اثر بیشک مسیر شناخت از تفکر و رویه علمی و ادبی این شاعر را برای علاقمندان و پژوهشگران هموارتر میکند.

تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۳۹۸

تاریخ داوری: ۱۰ آبان ۱۳۹۸

تاریخ اصلاح: ۲۵ آبان ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۵ دی ۱۳۹۸

کلمات کلیدی:

محمدحسین ابن محمدجعفر، کنزالمعارف، مثنوی، تحلیل محتوایی، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

Ayalameha@yahoo.com

۰۵۱ ۵۳۳۳۴۰۵۱ (۲۱ ۹۸+)

مقدمه

در بررسی سبک‌شناسی، متن را از نظر ویژگیهای خاص فکری، زبانی و ادبی که مختص شاعر یا نویسنده اثر است یا با توجه به مختصات سبک دوره، مورد بررسی و مطالعه قرار میدهند تا با مطالعه سطوح سبک‌شناسی، اطلاعات دقیقتری درباره ویژگیهای آن اثر بدست آورند. بطور قطع این مطالعات برای شناخت وجوه مختلف آثار و سنجش علمی متون ادبی حائز اهمیت است. بررسی سطوح فکری، زبانی و ادبی متون ادبی مثنوی کنزالمعارف میتواند اطلاعات سبک‌شناسی خوبی از این دوره (قرن ۱۳ هجری) در اختیار ادب دوستان قرار دهد و سیمای روشنتری از وجوه فکری، علمی و ادبی این اثر را نمایان کند.

ضرورت و سابقه پژوهش

از آنجاکه این نسخه منحصر بفرد است، تاکنون تصحیح و چاپ نشده و در مورد این اثر و سبک‌شناسی آن پژوهشی صورت نگرفته و از این حیث این پژوهش نو و بکر محسوب میشود. نسخه‌های خطی میراث گرانبهای تاریخی، فرهنگی و ادبی هر ملتی محسوب میشود. در این میان دیوان اشعار شاعران، گنجینه‌ای ارزشمند از تاریخ ادب در ایران است. آشنایی و شناخت سبکی این منابع، جایگاه والایی دارد، زیرا از یک سو پیشینه ادبی تمدنها در لابلای اوراق این دستنوشته‌ها نهفته است و دیگر اینکه شناسایی و معرفی شاعران و نویسندگانی که آثارشان تبلور فرهنگ زمان ایشان است، میتواند در شناخت فرهنگ و تاریخ و آن روزگار و سبک‌شناسی مختصات ادبی آن دوره سودمند واقع شود. از اهداف این تحقیق، مطالعه درباره مختصات سبک فکری، ادبی و زبانی و آشنایی با شعر و سبک و سیاق کتاب ارزشمند «کنزالمعارف» اثر «محمدحسین بن محمدجعفر» است.

بحث و بررسی

معرفی نسخه و ویژگیهای کلی آن

مثنوی کنزالمعارف اثر «محمدحسین بن محمدجعفر» از آثار عرفانی و ارزشمند قرن سیزدهم هجری است. این اثر دارای ۷۰۷۸ بیت میباشد. شاعر کتاب را با این بیت آغاز نموده:

بسه اسم خداوند رؤوف رحیم پای به دریای سخن مینهیم

(کنزالمعارف: ص ۱)

و با این بیت به پایان رسانده است:

هست یکی در خود فعل ای پسر لیک ز نااهلی فاعل دگر

(همان: ص ۲۰۹)

شاعر کتاب خویش را مخزن اسرار میداند که سرشار از مثل و وعظ و قصص است و علت نامگذاری کتاب را اینگونه بیان نموده است:

هم مثل و هم قصص و هم اصول وعظ و مناجات و دقیق الفصول

آمده خود کنز معارف به نام مخزن اسرار بود بالتمام

(همان: ص ۳)

کاربرد ملمعات متفاوت در این کتاب بیانگر شناخت خوب شاعر از زبان و ادبیات عرب است:
چشم بود مخبر دل از برون همچو زبان کاشف مافی البطنون

(همان: ص ۱)

ادبیات تعلیمی گستره وسیعی از ادبیات را دربر میگیرد. بسیاری از شاعران ادوار مختلف شعر فارسی که اشعار تعلیمی سروده‌اند، با علوم مختلف رایج در زمان خود آشنا بوده‌اند و بدینگونه بر غنای ادبیات تعلیمی افزوده‌اند. از جمله این علوم، علم کلام است. در این اثر شاعر اشعار خود را با توجه به مباحث مطرح در حوزه کلامی، که بدان معتقد بوده، سروده است. در واقع میتوان «کنزالمعارف» را نموداری از اعتقادات این شاعر دانست که به تعلیم مخاطب در حوزه کلامی توجه دارد. کلام منزّه و آشنایی با شعر شاعران و اقتباس از آنها از دیگر ویژگیهای قابل توجه در این اثر است.

ویژگیهای سبکی و محتوایی نسخه

سطح فکری

مهمترین ویژگیهای سطح فکری، مضامین و موضوعات این اثر به شرح ذیل است:

موضوعات و مضامین

الف) بیان اندیشه‌های اخلاقی: توجه به مباحث اخلاقی با تکیه بر آرایش کلام و صنایع ادبی از «کنزالمعارف» کتابی ارزشمند ساخته است. شاعر با توجه به اهمیت موضوعات اخلاقی، تربیتی، دینی و عرفانی مباحث ارزشمندی را به نظم درآورده است که به پاره‌ای از این مباحث اشاره میکنیم.

خودشناسی: از مباحث بسیار مهم و ارزشمند در حوزه اخلاق و عرفان، مبحث «معرفت نفس و خودشناسی» است. اول قدمی که انسان پا در جاده تکامل و سعادت میگذارد، شناختن جسم خاکی و روح آسمانی است، یعنی تمیز دادن و فرق گذاردن بین بدنی که از عالم مادیات سرشته شده و روحی که از عالم مجردات و ملکوت اعلی نزول یافته که انسان واقعی همان است. تمام عیوب ما ناشی از این است که خود را نمیشناسیم و خیال میکنیم فقط انسان همین بدن خاکی و احساسات حیوانی است، غافل از اینکه در پس پرده قوای مادی، روح الهی پنهان است که انسان حقیقی اوست. در سخن پیامبران گذشته این کلام معروف است که با انسان گفت: «یا انسان اعرف نفسک تعرف ربک ... ای انسان خود را بشناس تا خدایت را بشناسی» (کیمیای سعادت: ص ۴۱). شاعر بارها به خودشناسی که مقدمه شناخت خداوند است تأکید دارد:

گفت علی آن شه والانسب عارف نفس است شناسای رب

هر که شناسد خودی اندر جهان البته بشناخته حق را همان

(کنزالمعارف: ص ۱۹۰)

ناپایداری دنیا: همه متفکران و خردمندان و افرادی که به سرگذشت انسان و مسیر زندگی وی علاقه‌مند بوده‌اند، به موضوع ناپایداری و بی‌اعتباری جهان، نگاهی عمیق داشته و بدان با دقت اندیشیده و تدبر و تفکر کرده‌اند و ارزیابی خردمندانه‌ای از بشر و زندگی او داشته‌اند. شاعر نیز بارها به ناپایدار بودن دنیا و دار فانی تأکید نموده است:

حرف نخست اینکه جهان ای برار دار فنا است نه دارالقرار

(همان: ص ۱۷۲)

کمال حاصل رنج و ریاضت: یکی از گامهای اساسی در سیر و سلوک و رسیدن به نور معرفت و محبت خداوند، مبارزه با نفسانیات و تعالی دادن به ارزشهای روحانی است؛ ریاضت شرعی، اهتمام ورزیدن بیشتر به ورع، پرهیزکاری و رسیدن به عبودیت واقعی است. ریاضت در عرفان اسلامی هرگز از چهارچوب شریعت خارج نمیشود. شاعر معتقد است سالک میتواند در این راه با فنای صفات مادی و گذشتن از ظواهر و با مداومت به ذکر و فکر به خدا و معنویات روحش را برای اعتلا به عالم معنا آماده سازد:

مقصود اصلی ز وجود ای پسر نیست بجز رنج و ریاضت دگر
حاصل رنج است کمال و علو حاصل راحت بُده نقص و دنو

(همان: ص ۱۵۵)

نکوهش دنیا و دنیاپرستان: نکوهش دنیا یکی از مضامین پربسامد در شعر فارسی است، هرچند بسامد این مضمون با توجه به شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عصر شاعران متفاوت و متغیر است. این مفاهیم در شعر عرفا نمود بیشتری دارد.

ای که همی رونق دین بایدت رونق ظاهر به چه کار آیدت
عزت و مال از تو جدا گشتنی است آن بگزین کز تو جداییش نیست
ای چه بسا محتشم و مالدار کز پس مردن شود البته خوار

(همان: ص ۱۹۸)

ب- توجه به مفاهیم دینی: یکی از موضوعات و مباحثی که در شعر شاعران مسلمان مورد توجه قرار میگیرد، بیان باورهای دینی و اعتقادات آیینی و الهی آنهاست که این موضوع با توجه به ساختار فکری و ذهنی شاعران در ادوار تاریخی، موضوعی شایان توجه است. سرودن شعر مذهبی - آیینی در ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. توجه به مباحث اخلاقی و دینی هم یکی از مسائل بسیار مهم است که جای خود را در تمامی بخشهای مختلف ادبیات فارسی باز کرده است. بعنوان نمونه میتوان رگه‌هایی از معانی اخلاقی و دینی را در ادبیات دینی، داستانی، تاریخی، فلسفی، و حماسی دید که این خود بیانگر توجه شاعران ادب فارسی به این مسائل مهم است. شاعر کنزالمعارف از شاعرانی است که باورهای دینی خود را در اشعارش منعکس نموده است. این انعکاس گاه بصورت نیایش، نعت نبی مکرم اسلام (ص)، مدح ائمه اطهار، تفسیر آیات و احادیث و... نمود یافته است. شعر کنزالمعارف با پرداختن به مبحث نبوت و نعت رسول خدا (ص) در صدد است که عشق و محبت خود را به اسلام بیان کند:

پس به رخ شاه نبوت ختام هر نفسی شصت هزاران سلام
آنکه بود باعث ایجاد دهر و آنکه شفیع است به هنگام قهر

(همان: ص ۲)

نیایش: نیایش یکی از روحانیترین لحظات زندگی هر مؤمن است. در همه ادیان آسمانی متناسب با تلقی و درک مؤمنان از دین شیوه‌ها و شکل‌هایی برای راز و نیاز با معبود فراهم شده است. شاعران هم بعنوان دارندگان روحهای لطیف و حساس در لابلای اشعار خود مناجات‌هایی نغز و دلنشین گنجانده‌اند که از لطیفترین فرازهای آثارشان استعدا و نیایش در ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد و در ادبیات کهن و امروز کمتر آثاری است که در آن شاعر و نویسنده به ستایش و توصیف خداوند نپرداخته و ضمن آن نیایشهایی بیان نکرده باشد، پس بجزئت میتوان اذعان داشت نیایش در پهنه ادبیات فارسی جزئی لاینفک بوده و هست. «محمدحسین بن محمدجعفر» نویسنده کتاب کنزالمعارف در آغاز و مقدمه کتاب و پیش از ورود به هر مبحثی، اینگونه به نیایش باری تعالی پرداخته است:

به اسم خداوندِ رؤوفِ رحیم پای به دریای سخن مینهیم
زینت هر مجلس و هر محفل است نام خدا روشنی هر دل است
کز تو بود گردش لیل و نهار حمد تو را میسزد ای کردگار

(همان: ص ۱)

ستایش خداوند و نیایش او از ملزومات ادبی کنزالمعارف است. شاعر سعی دارد با ستایش باری تعالی اثر خود را آغاز کند. موضوع اولین ابیات این اثر ارزشمند مناجات و ستایش پروردگار متعال است. **بهره بردن از منبع قرآن و حدیث:** شاعر برای تقویت کلام اثرگذار خود از آیات و احادیث بهره جسته است که نشانگر شناخت شاعر از مبانی دین و توجه وی به مباحث ارزشمند اخلاقی در دین مبین اسلام دارد. در برخی ابیات، احادیث و آیات را با کلام منظوم خود تحلیل نموده و تفکر خود را بنحوی روشن بیان نموده است. وی با استعانت از حدیث قدسی «کنت کنزاً...» به تشریح خداشناسی میپردازد:

بوده خداوند چو گنج نهان خواست شناسند ورا دیگران
خلق نمود این همه خلق سپنج از جهت معرفت ای نکته سنج
هر که در او هست کمال و هنر مایمل اظهار بود ای پسر

(همان: ص ۳)

توجه به خردگرایی: عقل و خرد در ادبیات فارسی، بویژه در آثار شاعرانی که با علم کلام و فلسفه و منطق آشنایی داشته‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارد. گاه نیز به دلیل مضمون‌یابی و بیان مفاهیم و مضامین و صور خیال و ایمازهای شاعرانه و ادیبانه، شاعران و ادیبان بدان توجه کرده‌اند. در عین حال شاعرانی مانند مولوی، به اهمیت عقل و خرد در روایات و متون دینی و فلسفی و کلامی آگاه هستند و عقل در آثار ادبی آنان جایگاه ویژه‌ای دارد

و همیشه عقل مساوی با عقل جزوی و جزئی نگر و سطحی نگر نیست. گاه عقل ارزش والایی مییابد و فواید و کارکردهای بسیاری بر آن بار میشود و در موارد بسیاری این عقل است که راهگشای انسان در زندگی است و لازمه زیستن و درست زیستن در این عالم خاکی است. معروفترین تقسیم بندی مولانا درباره عقل عبارت است از عقل کلی و عقل جزوی.

کول عالم صورت عقل کل است کوست بابای هر آنک اهل قل است

چون کسی با عقل کل کفران فزود صورت کل پیش او هم سگ نمودست

من که صلحم دائماً با این پدر این جهان چون جنت استم در نظرت

(مثنوی، ج ۴: ص ۳۲۶۰)

عقل عنصری کیمیاگر است و آب و گل را به زر تبدیل میکند و این جهان با همه بدیهایش برای کسی که با این عقل در صلح باشد، چون بهشت است. شاعر کنزالمعارف نیز بتبع شاعران و عرفا عقل را اشرف مخلوقات دانسته است:

و آنچه در او مدرک و جانی بود ماقول او به بود از بیخرد
عقل بود اشرف مخلوق حق بهتر از او نامده اندر طبق
و آنچه در او عقل بود ای فلان عالمشان به بود از جاهلان

(کنزالمعارف: صص ۴-۵)

توجه به اصول دین: توحید، نبوت، معاد، جزو اصول دین اسلامند و دو اصل امامت و عدل از اصول تشیع هستند و هر کس به آنها ایمان ندارد از مذهب شیعه بیرون است؛ گرچه از اسلام بیرون نیست. (رک: سجادی، فرهنگ معارف اسلامی: ص ۴۵). شاعر بعنوان یک مؤمن پایبند شریعت، بارها به اعتقاد خود به اصول دین اشاره نموده است:

پایه دین آنچه به قرآن بود در بر آگه برد آن بی عدد
وحدت حق است و نبوت معاد اوچینا الله بهها الاعتقاد
این سه مکرر شود اندر نماز کامده از بارگه بی نیاز
زان سه یکی گر بودت شک در آن نیست مسلمانی ات ای نکته دان
عدل خداوند و امامت یقین پایه مذهب بود ای مرد دین

(کنزالمعارف: ص ۱۰)

ج) معانی و مفاهیم عرفانی: توجه شاعر به مفاهیم عرفانی چون سماع، خداشناسی، خودشناسی، یقین، طلب و... بیانگر آشنایی شاعر با عرفان اسلامی است.

سماع: یکی از بارزترین جلوه های سکر و مستی حاصل از میل و اشتیاق به وصال محبوب حقیقی در تفکر عرفانی، سماع است. از این رو عرفا حرکات مربوط به سماع را اشاره به رمزی از احوال و اسرار روحانی دانسته اند. «چرخ زدن را اشارت به شهود حق در جمیع جهات، جهیدن را اشارت به غلبه شوق به عالم علوی، و پا کوفتن را اشارت به پامال کردن نفس اماره و دست افشاندن را اشارت به دستیابی به وصال محبوب میدیدند» (زرین کوب،

پله پله تا ملاقات خدا: ص ۳۳۰)

ای که به یک غمزه تونه فلک
رقص کنانند همه باشتاب

تا به ابد گشته چنین تیز تک
تا که شنیدند ز تو یک خطاب

(کنزالمعارف: ص ۲)

معرفت و خداشناسی: خداشناسی شرط اساسی ورود به طریقت و نیل به حقیقت است؛ در واقع تلاش انسان همواره بر این مبنا بوده است که حقانیت شناخت ذات خداوند را از راه‌های مختلف شناخته و از این رهگذر حس فطری پرستش را در درون خویش ارضا نماید، هرچندکه هنوز هم بعد از گذشت قرون متمادی نتوانسته است به کنه ذات حق تعالی پی ببرد و تلاش وی در این زمینه در حد و مرز اندیشه محدود مادی تا حدودی ناکام مانده است» (زرین کوب، پله پله تا ملاقات خدا: ص ۱۱۳).

گرچه بود ذات خدا ای پسر
معرفتش لیک بود مستحیل

از رگ گردن به تو نزدیکتر
زانکه تجانس بود اینجا دخیل

(کنزالمعارف: ص ۱۷)

یقین: در عرفان تعاریف مختلفی از یقین ارائه شده است و معمولاً در تعریف یقین و تبیین ماهیت آن، تعبیر مختلفی بکار رفته است که این تعبیر در حقیقت وصف حالت درونی انسان است که از راه کشف و شهود حاصل شده است. در تعریف یقین گفته‌اند: مشاهده غیب به صفای قلب و ملاحظه اسرار به محافظت افکار، آرامش دل به حقیقت چیزی، رؤیت عیان، تحقق تصدیق به غیب با ازمیان رفتن هرگونه شک و تردید، نقیص شک، رؤیت عیان به نور ایمان، از میان رفتن هرگونه شک و تردید در اعتقاد به غیب، علم حاصل شده پس از شک و تردید. یقین دارای سه مرتبه است که یقین مرتبه پایینتر، خصوصیات و علائم یقین مرتبه بالاتر را ندارد. این سه مرتبه عبارتند از «علم‌الیقین»، «عین‌الیقین» و «حق‌الیقین». بنابراین هرچند تعبیر مختلف است، راه رسیدن به چنین مرتبه‌ای از شناخت و معرفت یقینی، بوسیله کشف و شهود قلبی و در پرتو سیر و سلوک و ریاضت، قابل وصول و ممکن است (سجادی، فرهنگ مصطلحات: ص ۱۲۴).

دیگری این گفته به علم‌الیقین
بلکه چو دانسته خدا را حکیم
زیین سبب او گشته در این مستقیم
لیک به تحقیق و به عین‌الیقین
امر جهان گرفتد او را به دست
لیک نه تحقیق نموده است این
میکند آن کار که حق کرده است

(کنزالمعارف: ص ۱۶۰)

طلب: برای ورود سالک طریق حق به سیر و سلوک معنوی مراتبی را بر شمرده‌اند که «طلب» اولین مرتبه آن است. طلب میلی باطنی و انگیزه‌ای درونی است که روح انسان را از نیازهای مادی دور کرده و به مراحل بعدی سیر و سلوک یعنی عشق، معرفت، استغنا، حیرت، توحید و در نهایت فناء فی الله میکشاند (گوهرین، شرح اصطلاحات تصوف، ج ۵: ص ۳۳۰). طلب، نخستین گام در سیر و سلوک جهت رسیدن به حقیقت و کمال است. در اصل تا زمانی که سالک، معشوق و محبوب ازلی را طلب نکند، نمیتواند قدم در راه طریقت بگذارد و دشواریهای آن را تحمل کند:

جمله خلائق که همی زیستند البته خالی ز طلب نیستند
هست یکی طالب عرفان ربّه وان دگر طالب علم و ادب
کسب سعادت یکی آورده بیش جلب شقاوت دگری کرده زیش
(کنزالمعارف: ص ۲)

قرب: قرب به معنای نزدیکی و در مقابل آن، بُعد به معنای دوری است و بطور خاص در عرفان، در معنای نزدیکی و دوری خداوند مورد نظر است. در طول تاریخ عرفان اسلامی تعاریف و تقسیمات متنوعی از قرب و بعد شده است (ر.ک: گوهرین، شرح اصطلاحات تصوف، ج ۸: صص ۳۹۴-۴۰۸) که نشان از رویکردهای متفاوت عارفان در آن دارد.

آنچه وفایش بود ای کامیاب معرفت و طاعت و قرب و ثواب
مابقی البته بود هشتتنی زانکه جهان آمده بگذشتنی
(کنزالمعارف: ص ۱۵)

خوف و رجا: خوف و رجا اصطلاحی در قرآن، حدیث، عرفان و اخلاق به معنای ترس از خدا و در همان حال امید به بخشایش و مهربانی اوست. رتبه رجا بعد از خوف است، زیرا رجا مخصوص کسی است که در مقام خوف قرار گرفته و برای تعدیل آن حالت به رجا نیاز دارد که به افراط در خوف نیفتد. «در احادیث پیامبر اکرم و ائمه اهل بیت (ع) نیز به خوف و رجا پرداخته شده است. در پاره‌ای از احادیث، رجا مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله اینکه به مؤمنان توصیه شده است به خداوند حسن ظن داشته باشند و آمده است که خداوند آن چنانکه بنده مؤمن او به او گمان دارد عمل میکند» (المسند، احمد بن حنبل: ص ۱۳۶).

چون تو نداری خبر از ذات خویش دعوی خوبی منما پیش پیش
کار کن و تکیه مکن بر عمل خوف و رجا بایسد و ترک امل
(کنزالمعارف: ص ۱۵)

د) توجه به داستانها و شخصیت‌های ادبی و دینی: شاعر بارها در کتاب خود به داستانها، روایات دینی، حوادث تاریخی و اسلامی و شخصیت‌های بزرگوار چو پیامبر اکرم و علی (ع) پرداخته و در کنار این مباحث، آشنایی خوبی نیز به ادبیات فارسی و عربی دارد و به این داستانها و شخصیتها گاه اشاره میکند:

دشمن موسی که به شط حکم راند آب ز جنبیدن خود بازماند
فتنه بُدی در بر فرعونیان خود بُدی معجزه و سحر آن
(کنزالمعارف: ص ۱۴۱)

ه) توجه به مباحث کلامی: ادبیات تعلیمی گستره وسیعی از ادبیات را دربر میگیرد. بسیاری از شاعران ادوار مختلف شعر فارسی که اشعار تعلیمی سروده‌اند، با علوم مختلف رایج در زمان خود آشنا بوده‌اند و بدینگونه بر غنای ادبیات تعلیمی افزوده‌اند. از جمله این علوم، علم کلام است. شاعران اشعار خود را با توجه به مباحث مطرح در حوزه کلامی سروده‌اند. در واقع میتوان شعر را نموداری از اعتقادات شاعر دانست که به تعلیم مخاطب در آن حوزه کلامی میپردازد. این موضوع کمتر در کنزالمعارف بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

اشعریان خبط نمودسته‌اند فریه و بهتان به خدا بسته‌اند

لیک تواناست به سلبش دگر
خواه بود خیر و یا شر همان
داده خداوند به اشیا ائـ
نیست بر او اینکه کند سلب آن
(کنزالمعارف: ص ۱۱۶)

سطح زبانی

سطح زبانی چون مبحث گسترده‌ای است، بهتر است که در سه سطح (آوایی، لغوی و نحوی) تقسیم شود. مسائل کلی مربوط به تلفظ واژه‌ها و ابزارهای موسیقی‌آفرین در سطح آوایی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. بسامد بکارگیری لغات نو، کهنه و عربی در سطح لغوی و مسائل مربوط به ساختار نحوی مانند افعال، ضمائر، واو عطف در سطح نحوی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. زبان شاعر در کنزالمعارف، مبتنی بر لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و تعبیرهای بدیع و گاه کهنه است؛ چنانکه میتوان گفت این ویژگیهای سبکی به مثنوی او ارزش ادبی قابل توجهی بخشیده است و کاربرد برخی ویژگیهای خوب سبکی، شعر او را پخته و سنجیده نموده است.

سطح آوایی

سطح موسیقایی و آوایی مجموعه‌ی مناسبتهای وزنی، قافیه، ردیف و آرایه‌های لفظی است که در القای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه‌های او نقش مؤثر دارد. در سطح آوایی یا سطح موسیقایی که متن بلحاظ ابزار موسیقی‌آفرینی بررسی میشود، اعم از وزن و قافیه و ردیف و صنایع بدیعی است در شعر (سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳).

الف) از نظر موسیقی درونی: از این منظر اشعار در بحر «رمل مسدس محذوف» و وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده‌اند.

وزن: شمیسا در مورد وزن رمل می‌گوید «آهنگی متین و سنگین و غم‌انگیز دارد» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۲۲۶). انتخاب این وزن متانت و وقار ظاهری شاعر را در ذهن متصور می‌سازد. شاعر این وزن را که با ذوق و قریحه‌ی او هماهنگتر بوده برای بیان مفاهیم اخلاقی و عرفانی بکار گرفته بطوری که شاعر همه‌ی مثنوی خود را براساس همین یک وزن سروده است.

از آنجا که گفته‌اند: «وزن نوعی تناسب است و تناسب کیفیتی است که حاصل آن دریافت وحدت است بین اجزای متعدد» (وزن شعر، ناتل خانلری: ص ۲۴). بی‌شک شاعر موسیقی این وزن را متناسب بیان مفاهیم اخلاقی دانسته است. مثنوی مولوی و بسیاری از آثار ارزشمند مانند غزلیات حافظ (۳۱ غزل) بر این وزن سروده شده‌اند. همچنانکه شفیعی کدکنی می‌گوید: «پس از عاطفه که رکن اصلی شعر است، بهترین عامل و نیروها از آن وزن است؛ چراکه تخیل با تهییج عواطف بدون وزن کمتر اتفاق می‌افتد» (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۴۷). شاعر موسیقی این وزن را برای بیان مفاهیم و اندیشه‌های خود مناسب دیده است. تناسب وزن و محتوای فیزیکی از عوامل مهم در موفقیت اشعار وی است. درحقیقت وزن مانند روحی است که شاعر با کلام منظوم و زیبای خود به آن هویت و موجودیت میبخشد.

ای که همی رونق دین بایدت
عزت و مال از تو جدا گشتنی است
آن بگزین کز تو جدائیش نیست
کز پس مردن شود البته خوار
ای چه بسا محتشم و مالدار

(کنزالمعارف: ص ۱۹۸)

یکی از هنرنامه‌یهای شاعر، انتخاب وزن رمل برای سرودن این مثنوی اخلاقی-عرفانی است، محتوای اشعار با وزن

منتخب هارمونی و انسجام خاصی به این مثنوی بخشیده است. «محتوا و موضوع هر شعری با وزن خاصی سازگار است» (فرهنگ اوزان شعر فارسی، وحیدیان کامیار: ص ۸۱)

ب) **از نظر موسیقی بیرونی (کناری):** منظور از موسیقی کناری، عواملی است که در نظام موسیقایی شعر دارای تأثیر است ولی ظهور آن در سراسر بیت و مصراع قابل مشاهده نیست، برعکس موسیقی درونی که تجلی آن در سراسر بیت و مصراع یکسان است. جلوه‌های موسیقی کناری بسیار است و آشکارترین نمونه آن قافیه و ردیف است» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۳۹۱).

قالب: اشعار کنزالمعارف در قالب مثنوی سروده شده و هر بیت دارای قافیه‌های مستقل است و گاه ابیات مردف هم بکار رفته است. انتخاب قالب مثنوی برای بیان مطالب طولانی و اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی مؤثر بوده است. **قافیه:** دقت شاعر در ایجاد ظابطه و نظم در صامت‌ها و مصوت‌های قوافی و ردیف‌ها به ایجاد موسیقی غنیتر و وزن کمک کرده است. «هرچند تعداد حروف قافیه بیشتر باشد، قایمه صوتی بیت در مجموع شعر قویتر خواهد بود» (تکرار و ارزش صوتی و بلاغی آن، متحدین: ص ۵۱۶). چون قوافی و ردیف‌ها بخودی خود در ایجاد وزن مؤثر هستند. شاعر در انتخاب قوافی، از کلماتی استفاده کرده که صامت‌ها و مصوت‌های آنها با هم هماهنگی و تناسب دارند و با توجه به این تکنیک، ارزش موسیقی شعر خود را قوت بخشیده است.

هیچ ندیده به رهِت تاختند مهر تو از زیور جان ساختند

غلت زنان بهر تکاپو شدند جمله به راحت سر و تن گو شدند

(کنزالمعارف: ص ۱)

کاربرد قافیه‌های ساده و به دور از تکلف و پیچیدگی، مهارت و دقت این شاعر را در خلق سروده‌هایش نشان میدهد. سادگی کلمات قافیه و تشابه وجوه اشتراکات واجی نوعی قرابت و شباهت را در قالب آهنگ ایجاد نموده و یکنواختی و موزونی شعر را در ذهن مخاطب بیشتر تداعی کرده است که موجب گوش‌نوازی و غنی شدن موسیقی نیز میشود. اما شاعر با وجود رعایت این کارکرد و دقت در گزینش قوافی زیبا، به محتوا و مفاهیم نیز توجه خاص دارد و این ویژگی قطعاً بیانگر شناخت خوب وی از شعر و مفاهیم آن است. از طرفی دیگر نیز انتخاب کلمات قافیه، که دارای مصوت‌های بلند در هجاهای بکاررفته هستند، ارزش موسیقایی قوافی شاعر را بیشتر کرده است.

دیگری این گفته به علم‌الیقین
لیک نه تحقیق نموده است این
بلکه چو دانسته خدا را حکیم
زین سبب او گشته در این مستقیم
هست دگر شخص که گوید همین
لیک به تحقیق و به عین‌الیقین

(کنزالمعارف: ص ۱۶۰)

ردیف: شاعر کنزالمعارف از تأثیر موسیقی کناری بر غنی شدن موسیقی شعر آگاهی دارد و بیجهت نیست که از ردیف بویژه ردیف فعلی بهره میگیرد تا علاوه بر ایجاد جنبش و تکاپو در مثنوی، به اهداف مهم خود یعنی انتقال معانی والای معنوی و عرفانی نیز دست یابد. ردیف‌ها اغلب از نوع ردیف فعلی هستند و ردیف‌های فعلی بویژه افعال تام بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. «ردیف‌های فعلی به فضای شعر، پویایی و حرکت میبخشند و در مقابل ردیف‌های اسمی و حرفی سبب ایستایی شعر میشوند» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۶۲).

بلبل اگر در قفس زر بود / دانسه و هم آب میسر بود
(کنزالمعارف: ص ۵۳)

میل جعل سوی خبث فطرت است / لیک فعالش همه از قدرت است
(همانجا)

موسیقی کناری در کنزالمعارف بسیار غنی است و این نکته را از هماهنگی ردیف با موضوع مثنوی و همچنین همسانی ردیف با قافیه در یکی از واکها بروشنی میتوان دریافت. همچنین کاربرد «ردیف» بعد از قافیه، موسیقی برخی ابیات را قویتر کرده است. اگرچه رعایت التزام ردیف گاهی باعث کمرنگ شدن لطافت مثنوی و نظم میشود ولی هیاهوی آهنگها و ردیفهای فعلی نوعی قوام و استواری به شعر بخشیده و تنوع ردیفها بنوعی موجب تنوع در صور خیال شده است. در نظر شفیع کدکنی «یکی از نقشهای ردیف، تأثیری است که در ایجاد تعبیرات خاص زبان شعر، و توسعه مجازها و استعاره‌ها دارد» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۴۸).

برف گهی وقت بهاران دهد / گاه به دی غرش و باران دهد
(کنزالمعارف: ص ۵۶)

نمودهای آرایه‌های ادبی در حوزه بدیع لفظی

تکرار

تکرار در زیباشناسی از مسائل بنیادی هنر است. «کورسوی ستاره‌ها، بال زدن پرندگان بسبب تکرار و تناوب است که زیباست. صداهای غیرموسیقایی و نامنظم را که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میدانند؛ حال آنکه صدای قطرات باران که متناوباً تکرار میشود آرام‌بخش است» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۸۹). شفیع کدکنی نیز تکرار را از قویترین عوامل تأثیر و القای فکر میداند (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۹۲). در این مثنوی، تکرار کلمات و یا واجها و هجاها به اشکال متفاوت دیده میشود، گاه بشکل ردیف، جناس و واج آرایه.

الف) جناس: از آرایه‌هایی است که «در سخن آراسته و هنرورانه کاربردی گسترده یافته است. این آرایه نیک خنثای درونی، سخن را سودمند و کارساز میکند» (کزازی، بدیع: ص ۴۸) و یا به عبارتی دیگر جناس آن است که گوینده یا نویسنده در ضمن سخن، کلمات همجنس بیاورد که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف باشند (فنون و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۹).

با استناد بر روش استقرایی مبتنی بر توصیف و تحلیل در خواهیم یافت که شاعر در این اثر خود از انواع جناس بهره برده است که از انواع آن میتوان به جناس مزید، لفظ، شبه‌اشتقاق، لاحق و مضارع اشاره کرد. کاربرد جناس از نظر موسیقی، کلام شاعر را غنا بخشیده و این کاربردهای متعدد از جناس، توجه شاعر را به آوردن آرایه و تلاش برای حفظ موسیقی و گوشنوازی شعر نشان میدهد:

ای که دهی این همه نعمت به خلق / از جهت دلخ و دگر جلق و حلق
(کنزالمعارف: ص ۱)

انواع جناس تام، افزایشی و اشتقاقی در این مثنوی بکار رفته که بیانگر وسعت دامنه لغات و توجه شاعر به زیبایی لفظی در شعر است و باعث غنی شدن موسیقی و گوشنوازی شعر وی نیز شده است. از طرفی دیگر، موسیقی لفظ در جناسهای اشعار کنزالمعارف از آهنگ ویژه‌ای برخوردار است و نه تنها گوش بصورت طبیعی از ماهیت

موسیقایی آن لذت میبرد، چشم نیز با دیدن این وجه ادبی، التذاذ هنری میبرد. فایده تکرار علاوه بر ایجاد تأثیر موسیقایی در کلام، موجب پیوند و تلفیق بیشتر کلمات با هم نیز میشود.

پس صلواتی ز حد و عد بـرون
باد به سبطین شه رهنمون
(کنزالمعارف: ص ۳)

ب- واج آرای: «واج آرای» تکرار یک صامت و مصوت با بسامد زیاد در جمله است. همانگونه که تکرار واژه‌ای سبب میشود موسیقی و آهنگ شعر افزوده گردد، تکرار واج هم سبب آهنگین کردن کلام و افزایش موسیقی شعر میشود» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۱۰۲). علاوه بر تکرار و جناس آنچه موجب قویتر شدن موسیقی در این اثر شده، صنعت همحروفی و همصدایی کلمات و واجهاست. بعنوان مثال در ابیات زیر تکرار هجاهای متفاوت، علاوه بر ریتم وزن، به غنای آهنگ کمک کرده است:

قابل بی شرط ترقیش نیست
ز آنکه خود او ماده‌ای بیش نیست
تا نفتد سگ به نمک زارزار
چون به نمک منقلب آید برار
شرط که قابل نشدش توأمان
البتّه مشروط نگردد عیان
خاک ز اکسیر نگردد طلا
سنگ نمک مینشود هم بلی
(کنزالمعارف: ص ۱۶۵)

کاربرد آرایه‌های بدیع معنوی

تضمین: از آرایه‌های ادبی و به معنی آوردن آیه، حدیث، یا سخن مشهور در بین سخن است. همچنین اگر شاعر تمامی مصراع یا بیتی را از شاعری دیگر در سخن خود بیاورد، تضمین خوانده میشود. اگر شاعر یا نویسنده‌ای مثالی را که پیش از وی رواج داشته، در میان نوشته یا سروده خود بیاورد نیز تضمین خوانده میشود (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۵). در زمانی که شاعر، سخن یا شعر معروفی را تضمین کند، معمولاً نام سراینده یا گوینده نوشته نمیشود. اما اگر شعر یا سخن مشهور نباشد، عموماً نام سراینده یا نویسنده سخن نیز ذکر میگردد. تضمین هنری یا تضمین طبیعی در نهایت ایجاز انجام میپذیرد. در کنزالمعارف، صنعت تضمین با ایجاز تنوع، به آرایش شعر و کلام شاعر کمک میکند. همچنین تضمین پدیدآورنده ایجاز در سخن شاعر است و آگاهی شاعر را از کتب و معارف و قلمروهای گوناگون کلام نشان میدهد.

نمونه تضمین: اشاره به آیه «لَعْمُرُكُ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (الحجر / ۷۱)

آنکه خدایش به نکویی ستود
تاج لَعْمُرُكُ به سرش فخر بود
(کنزالمعارف: ص ۲۰۹)

تلمیح: در لغت یعنی با گوشه چشم نگرستن. از جمله صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار یا گفتار به آیه، حدیث، داستان، یا مثل قرآنی یا [عبارت معروفی] اشاره داشته باشد (فنون و بلاغت، همایی: ص ۴۵).

الف) تلمیح به داستانهای ادبی: با توجه به اینکه بزرگان بلاغت گفته‌اند ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن بدست می‌آید، هر قدر اسطوره‌ها و داستانهای مورد اشاره لطیفتر باشد، تلمیح بلیغتر محسوب میشود. شاعر در این اثر از تلمیحات هنری بهره برده و تلمیحات وی تداعی کننده اسطوره‌ها و داستانهاست. درحقیقت شاعر با آگاهی از این تلمیحات استفاده کرده و عمده تلمیحات وی قابل فهم است و گاه تلمیحات را با تناسب همراه نموده و قدرت کلام هنرمندانه و شاعرانه خود را در کاربرد آرایه‌ها نشان داده است:

لیک شنیدم رگ لیلی زدند جست هماندم رگ مجنون بلند
 نیز شنیدم که همی بایزد گفت ز بس جلوۀ معشوق دید
 (کنزالمعارف: ص ۱۸۷)

ب) **تلمیح به داستانهای دینی:** شاعر مانند اغلب شاعران و نویسندگان فارسی نه تنها از افکار دینی استفاده کرده، بلکه از زبان دینی و قصه‌های قرآنی و احادیث کمک گرفته تا مفاهیم دینی را در خلق شعر و متون ادبی انعکاس دهد. از جمله اشاره به داستان حضرت آدم و فریفته شدن وی و خارج شدن او از بهشت، داستان هابیل و قابیل و اولین برادرکشی در تاریخ، شتر حضرت صالح و داستان قوم او، داستان حضرت یوسف و زلیخا، سلیمان و...

وی چه بسا صاحب طیّی زمین آصف و آوردن آن تخت بین
 تا به هم آورد سلیمان نگاه تخت بی‌آورد ز دو ماهه راه
 (کنزالمعارف: ص ۲۰۸)

ج) **تلمیح به آیات قرآن:** از آنجاکه محمدحسین بن محمدجعفر در سرودن اشعارش به مدح حضرت علی و پیامبر و همچنین به شرح و توضیح آیات و احادیث، در ضمن شرح روایات و حکایات پرداخته است، تتبع آن از آیات و احادیث گاه بشکل تلمیح و گاه تضمین بسیار استفاده کرده است. بیت زیر به آیه «إِنَّ الْخَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود/ ۱۱۴) اشاره دارد:

کرد خداوند به اندک مقال جمله گناهان سلف پایمال
 چونکه مبدل شدن سیئات با حسنات است دلیل نجات
 (کنزالمعارف: ص ۳۱)

مراعات النظیر: تناسب، آوردن واژه‌هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان یا همراهی باشد. شاعر از واژه‌های متعددی که دارای هماهنگی هستند، مراعات-النظیر ایجاد کرده و این فن پرکاربردترین آرایه ادبی در شعر وی است:

مال و منال و زن و فرزند تو ز آن همگی نیست یکی بند تو
 (همان: ص ۲۰۹)

نمونه دیگر:

زاده مرجانه و شمر و سنان خولی و بن ملجم و مأمون خان
 (همان: ص ۲۰۹)

ایهام: یکی از مهمترین امکانات زبان شعری در کنزالمعارف کاربرد ایهام است. شاعر برای هنجارگریزی از این آرایه معنایی و مفهومی در محور همنشینی کلام بهره برده است. ایهامها اغلب براساس ترکیب شکل گرفته و کلام شاعرانه با مدد ایهام قویتر تجسم یافته و ایهام یکی از عناصر مهم زبانی در شعر وی است. درحقیقت کلمات در کنزالمعارف در پیوند با یکدیگر و در شبکه‌ای از تناسبات قرار گرفته‌اند:

گفت یکی قصه شیرین کسی کان دل پرغم کند آگه بسی
 قاعده خسرو ایبا نیک‌بخت بود به هنگام نشستن به تخت
 (همان: ص ۱۵۸)

نمونه دیگر:

هست مشیت سوی رحمت روان لیک عزیمت نشدش توأمان
(همان: ص ۱۰۳)

تنسيق الصفات: از آنجاکه تنسيق الصفات از نظر لغوی به معنی ترتیب بخشیدن است، شاعر از این آرایه برای نظم و ترتیب بخشیدن در کلام بهره جسته و موصوفات معمولاً با نظم خاصی، برای صفات متعددی آورده شده‌اند:

خط خوش و صوت خوش و روی خوش هر یکشان ای تو بسی نفس کش
(همان: ص ۲۰۹)

ارسال المثل: آن است که شاعر یا نویسنده‌ای در ضمن سخن خود، از ضرب‌المثلی استفاده کند. شاعر در کنزالمعارف برای بیان مطالب حکیمانه در شعرش از ارسال‌المثل استفاده نموده و نتیجه این کارکرد موجب آرایش کلام و تقویت بنیة سخن و شعر وی شده است:

جو ز جو و حنطه ز گندم بجست هر چه به اصل است به فرع اندر است
(همان: ص ۱۴۶)

در این اثر، مثلها نقش بسیار مهمی در بیان مباحث اخلاقی و معارف، و فهم آسان مسائل و آموزش آنها دارند. فکر زمستان نکنی گر به وقت میکشددت شدت سرمای سخت
(همان: ص ۴۰)

تضاد: کاربرد کلمات متضاد است و از صنایع بدیعی محسوب میشود. شاعر بارها از این صنعت بهره جسته است. در کنزالمعارف، اغلب کلمات متضاد با واو عطف بهم معطوف شده‌اند و در کنار هم قرار گرفته‌اند:

کیست فروزنده این مهر و ماه لطف که شد شاه و گدا را پناه
خوشه برآرنده ز یک دانه کیست جان‌ده و جان‌گیر در این خانه کیست
(همان: ص ۱۱)

سطح لغوی

کاربرد واژه‌ها

ترکیبات و گروه‌های اسمی و ساختهای بدیع نحوی و معنایی از ویژگیهای برجسته سبکی و لغوی در کنزالمعارف است. شاعر از این نظر کاملاً استادانه و ماهرانه عمل میکند. توجه به ترکیبات نو و ترکیب‌سازی از فرایندهای زبانی است که وی با مهارت و توانایی آنها را در مثنوی خود بکار میبرد. در زمینه کاربرد ترکیبات و لغات در سطح لغوی، پنج مبحث زیر قابل توجه است.

ترکیبات و لغات جدید

یکی از مزیتها و ویژگیهای زبانی در شعر و کلام منظوم شاعر، کاربرد لغات نو است که زبان و کلام را برای مخاطب امروزیتر، صمیمیتر و مأنوستر میسازد. این ویژگی از خصایص سطح زبانی اشعار کنزالمعارف است. شاعر

گاه بطور عمد از کلمات نو استفاده کرده و با این خصیصهٔ سبکی، روح تازگی را به کتاب خود دمیده است. شاعر سعی داشته از کلمات پیچیده دوری کند و کاربرد کلمات ساده و امروزی چون (نکته‌سنج، کار و بار، نما، ترقی و ظلمت‌کده) خود گویای توجه وی به این نکات مهم لغوی است.

فایدهٔ شمع به ظلمت‌کده نیست ز خود از دگر آمده
(همان: ص ۳۰)

نیز شیاطین به همه کار و بار البته باشند بلا اختیار
(همان: ص ۵۲)

بسامد زیاد لغات عربی

هرچند کاربرد کلمات فارسی و عدم استفاده از لغات بیگانه در ادبیات همهٔ ملل توصیه شده، یکی از ویژگیهای قابل توجه این مثنوی، بسامد بالای کلمات و لغات عربی هستند که آشنایی شاعر را به زبان، لغات عربی و گسترهٔ دامنهٔ لغات و دانش وی نشان میدهد: «و ما یمكن ان یتمسک به الجبریون قوله تعالی و مارمیت اذ رمیت

گر تو بگویی که خدا کرده سلب
مشت ترا بی که پیمبر فشاند
عمر نبی گشت به ارشاد طی
آنک لاتهتد من احببت بین
فعل نبی از نبی ای نیک قلب
جانب کفار و دعایش خوانند
کرد خدا نفی هدایت ز وی
گفت خدایش به رسول مبین
(همان: ص ۹۴)

بسامد کلمات مرکب

در زمینهٔ لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و آوردن تعبیرات تازه، شاعر گاه دست به ابداعاتی زده که در حوزهٔ لغوی قرار میگیرند و به نوعی این کارکرد، دوری از هنجارهای زبانی است. «هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته میسازد و برحسب قیاس و گریز از قواعد هنجار واژه ای جدید می‌آفریند» (زبان‌شناسی و ادبیات، صفوی: ص ۲). با بررسی ترکیب‌سازیهای شاعر مشخص گردید که این خصیصه از نظر دستوری به ایجاز و موجز بودن شعر و کلام وی نیز کمک کرده است و گاهی هم با مدد ترکیب‌سازی، خلاقیت و استعداد زبانی خود را در ساخت صفات مرکب و مشتق مرکب یا قیده‌های مرکب و مشتق مرکب نشان داده است:

عالم بالا نگر ای مه‌جبین شمس و قمر مشتری و زهره بین
(کنزالمعارف: ص ۱۴۰)
پس چه بود تابش نزدیک وی نیک تأمل کن ای نیک‌پی
چون بده مأکول مواشی تمام خار و خس و برگ و گه ای نیک‌نام
(همان: ص ۸۹)

کاربرد لغات کهنه

در این اثر گاهی از ترکیبات کهنه استفاده شده که ظاهراً شاعر به قصد طنین بخشیدن به موسیقی ابیات، از این

کلمات بهره گرفته است. این کلمات بیشتر برای حفظ وزن و یا قافیہ‌سازی بکار رفته‌اند و کمتر جنبه ایجاز دارند. از طرف دیگر، بررسی این کلمات نشان می‌دهد که هرگاه شاعر از لغات پیچیده و دور از ذهن استفاده می‌کند، به لغات گوناگون احاطه و تسلط دارد و دارای دایره لغوی گسترده‌ای بوده است. تحقیق جامع در اشعار او می‌تواند از این جهت هم مفید و جالب باشد.

جمله غذا را به طواحن دهد پس کندش جمع و به باطن دهد

(همان: ص ۷۵)

زهر به عقرب ننموده نهان از پس لسعش کند ایچاد آن

(همان: ص ۱۱۶)

نکات املایی و نگارشی

به برخی نکات نگارشی در زیر اشاره می‌کنیم:

اضافه شدن حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود مانند: وانکه بیک کار نمود اقتصار (همان: ص ۱۳).

اضافه شدن «آن و این» به کلمه بعد از خود مانند: چون تو از آنوقت نداری خبر (همان: ص ۲۹).

اضافه شدن پسوند «می و همی» به فعل مانند: در ره دین میروی اندر ظلل (همان: ص ۱۰).

سطح ادبی

گذشتگان ما با همه توجهی که به اهمیت صور خیال در شعر داشته‌اند و معنی و مفهوم و جوهر شعر کمتر مورد توجه آنها بوده است، از اهمیت خیال در شعر کمتر سخن گفته‌اند، ولی آنها که دید منطقی و فلسفی به مفاهیم شعر داشته‌اند، عنصر خیال را جوهر اصلی شعر شمرده‌اند و امروزه نیز بسیاری از گویندگان، هنر را نتیجه خیال و تخیل دانسته‌اند. از گذشته‌های دور، خیال به معنی تصویر، شیخ، سایه و مفاهیم نزدیک و مشابه به این معانی بکار رفته است. بنابراین خیال که جوهر اصلی و عنصر ثابت شعر است و مجموعه تصرفات بیانی و مجازی، چیزی است که از نیروی تخیل حاصل می‌شود و این نیرو قابل تعریف دقیق نیست، اما تصویر با مفهومی وسیعتر، شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص است؛ اگرچه از انواع مجاز و تشبیه نشانه‌ای در آن نباشد. البته با تمام تلاش و کوششهایی که در راه شناخت و تعریف خیال شده، همچنان مبهم است و جای بحث بسیار دارد. زبان ادبی، زبانی است مخیل و تصویری، یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و مجاز و ... (سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۹۹).

تشبیه

شاعر در سطح ادبی، برای ایجاد صورخیال بیشتر از تشبیه، استعاره و کنایه مدد جسته است. بخشی از زیباییها و ظرافتهای شعر در کنزالمعارف، در ایجاد صور خیال و تصویرآفرینی بر دوش تشبیه نهاده شده است. تشبیه از مهمترین وسایل تصویر صورخیال در شعر فارسی بوده و در اشعار کنزالمعارف بیش از صنایع دیگر بکار رفته است. تشبیه برای ساده و محسوس کردن کلام شاعر بکار رفته است. زبان وی را صمیمی کرده اما غالب تشبیهات وی تکرار تشبیهات گذشته هستند و ابداع و نوآوری در آنها کمتر دیده میشود.

الف) تشبیهات ساده: شاعر در تشبیهات خود بدنبال خلق افقهای معنایی و تصویرسازیهای نو و بدیع نیست، او در تلاش است اندیشه خود را با تشبیهات ساده بیان کند و از اینرو بیان مضامین ساده برای وی مهمتر بوده است. زآنکه خدا، ذات و تو چون سایه‌ای

سایه ز خود کی بودش مایه‌ای

(کنزالمعارف: ص ۹۳)

(ب) **تشبیه مفصل:** بسامد تشبیه مفصل بیش از تشبیه مرسل است:

حیف بود کآدمی همچون حمار / از سخن حق نشود هوشیار
(همان: ص ۱۹۹)

تشبیه‌های او ساده و درجهت تفهیم مفاهیم و تصویرسازی بکار رفته‌اند. شاعر از تشبیهات پیچیده پرهیز کرده و تشبیهات وی بیشتر حسی هستند.

(ب) **تشبیه مفروق:** از نظر شکلی اغلب تشبیهات مفروق هستند و هر مشبه در کنار مشبه‌به خود آمده است. اغلب وجه شبه و مشبه‌ها نیز بصورت مرکب و مقید دیده میشوند.

قرب دگر هست که آن شانی است / همچو وزارت که به سلطانی است
(همان: ص ۱۲۷)

خود چو گیاهی و عمل همچو آب / رتبهات افزون کند ای خوش‌مئاب
(همان: ص ۱۲۷)

شعر در این اثر تنها حرف و واژه نیست، بلکه تصویر و نمایشی است که براساس حروف و کلمه صورت میگیرد. شاعر مانند شاعران قبل از خود حرف نمیزند، بلکه نمایش میدهد. شاعر گاه صحنه‌ای را در چند بیت چون تابلوی نقاشی برای خواننده ترسیم میکند تا هم تصویر روشنتری از عواطف و احساساتش را ارائه کند و هم احساس مخاطب را برای درک مقصود به کاوش وادارد.

استعاره

کاربرد استعاره به اشعار شاعر جان تازه میبخشد؛ به شکلی که در لفظ اندک معنی بسیار میگنجانند؛ به همین دلیل میتوان گفت استعاره‌های وی بسیار رساتر و صریحتر از تشبیه است. در استعارات وی عناصر ملموس و ذهنی هستند و همچون تشبیهات ساده و به دور از پیچیدگی لفظی و بدیعی ساخته شده‌اند. در کنزالمعارف بسامد استعاره بیشتر از تشبیه است.

استعاره مصرحه: در این اثر استعاره‌ها اغلب از نوع استعاره مصرحه هستند و استعاره‌های ساده و آشنا و به نوعی تکرار استعاره‌های شاعران پیشین هستند. مانند ماه، و نگار:

تا که به عقبی کنی ای ماه نو / کشته نیک و بد خود را درو
(همان: ص ۱۱۹)

طاعت ما خواسته پروردگار / تا که به ما نفع رسد ای نگار
(همان: ص ۱۲۶)

شاعر علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا، به معنا و محتوای سخن خود نیز توجه دارد. تصویرآفرینیهای زیبایی او گویای همین مطلب است. او با مدد استعاره تصاویر پویا و متحرک را خلق نموده است.

کنایه

شاعر در کنار تشبیه و استعاره، برای تصویرآفرینی از کنایه نیز بهره گرفته است. کنایات وی عمدتاً روشن و واضح است و بیشتر از زندگی عادی مردم و اعتقادات عامه، رسوم اهل حرف و پیشه و امثال کوچه‌بازاری گرفته شده است.

ایما: اغلب کنایه‌های بکاررفته از نوع ایماست که فهم آن آسان است. درحقیقت، در این اثر خواننده با گونه‌های رمز روبرو نیست، بلکه بیشتر کنایات ساده و قابل فهم هستند که معنای آنها صریح و خالی از پیچیدگی است.

بهر حطب کرد جوانی هلاک بر سر ایمان خودش بیخت خاک
(همان: ص ۱۶۱)

دولت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود
(همان: ص ۱۲۹)

نتیجه‌گیری

مثنوی کنزالمعارف از آثار ارزشمند قرن ۱۳ هجری است که بیش از ۷ هزار بیت دارد. شاعر کتاب خود را گنجینه اسرار و وعظ و حکمت می‌داند. این کتاب ارزشمند تاکنون تصحیح و چاپ نشده و تنها نسخه باقیمانده آن با شماره ۱۰-۲۱۵۶ در کتابخانه مجلس اسلامی قرار دارد. شاعر در این کتاب بر آن است اندیشه‌های متعالی و عرفانی خود را که گویای توجه وی به مباحث اخلاقی، عرفانی، دینی و تعلیمی است، به نظم درآورد. شاعر برای غنی کردن اشعار و اندیشه‌های خود از آیات و احادیث بهره جسته است.

در سطح فکری: توجه به موضوعات دینی، اخلاقی و عرفانی موجب شده تا شاعر به موضوعاتی چون خودشناسی و خداشناسی بارها تأکید کند و درباره نکوهش دنیا و توجه به ریاضت اشعاری بسراید و بخصوص درباره ناپایداری دنیا برای انسان و بی‌اعتباری آن، بحثهای فراوانی مطرح کند که تقریباً همگی انسان را به نداشتن حرص و آز به تجملات دنیایی و غنیمت دانستن دم و لحظه توصیه کرده است. شاعر سعی در تعلیم آموزه‌های تربیتی و عرفانی دارد و مباحثی چون سماع، قرب، یقین، طلب را به بوته بحث و نظم کشیده و بنحوی به تعلیم آموزه‌های عرفانی پرداخته است. پرهیز از کلمات رکیک و اشاره به شخصیت‌های دینی و برجسته از ویژگی‌های این اثر نفیس است. موضوعات کلامی و اقتباس از شعر شاعران، مانند ترازویی است که دانش شاعر را مورد سنجش قرار میدهد. مضمونها و ظرایف شاعرانه، اندیشه و تفکر شاعر آنچنان با زبانی ساده و روان بیان شده که گاه آنها را با زبانی صمیمی بیان میکنند. شاعر سعی میکند از استفاده بیش از حد اختیارات شاعری دوری کند و درعوض کوشیده فرصتی برای بیان اندیشه‌ها و تفکرات عالی خود بیابد. توجه به نیایش، نعت پیامبر، توجه به عقل و بهره جستن از منبع قرآن و حدیث، اختیارمداری و... از موضوعات مهمی هستند که در سطح فکری این اثر برجستگی یافته‌اند.

سطح زبانی: در سبک‌شناسی زبانی این اثر میبینیم که شاعر سعی در تخفیف کلمات، آوردن ابیات مردّف و جناس برای غنا بخشیدن به موسیقی شعر است. بسامد کلمات کهنه و عربی نیز در سطح زبانی از ویژگی‌های قابل توجه سبکی این اثر است. توجه شاعر به کاربرد آرایه‌های بدیعی چون تلمیح، تضمین، تضاد، ایهام و تنسیق-الصفات نشان میدهد که شاعر برای تقویت بنیه کلام منظوم خود و نشان دادن وجهه هنری شعرش از آنها استفاده نموده است. با تأمل در این اشعار درمییابیم که باریک‌اندیشیها، تصویرآفرینی و بویژه جلوه‌های زیباشناسی دانش بدیع بطور چشمگیر و قابل توجه در این اثر هستند. تصویرآفرینیهای خاص و کاربرد آرایه‌های بدیعی که بسامد قابل تأملی را در برخی ابیات نشان میدهد، از نکات قابل اهمیت میباشد؛ بنحوی که شاعر از ظرایف و دقایق ادبی آگاهانه و به نحو احسن استفاده نموده است. درحقیقت آرایه‌های بدیعی نقش بسزایی را در

ایجاد تصویرها و زیباییهای کلام وی داشته است. براساس آنچه بیان گردید، کاملاً آشکار است که استفاده آگاهانه شاعر به دانش بدیع و زیباشناسانه لفظی و معنوی، از نکات قابل توجه سبک‌شناسی این اثر است.

سطح ادبی: شاعر برای تصویرآفرینی از تشبیه، استعاره و کنایه بهره میبرد. تشبیهات وی اغلب ساده، حسی، مفروق و بلیغ هستند که به ظرافت شعری و تصویرآفرینی شاعرانه کمک کرده‌اند. استعاره‌ها شکلی از تشبیه فشرده و تکرر استعاره‌های شاعران پیشین هستند. کنایات روشن و واضح و بشکل ایما به کلام قوت بخشیده‌اند. بررسی این اثر نشان می‌دهد کاربرد صور خیال و آرایه‌های بدیعی به شاعر کمک نموده گستره دایره تخیل و کثرت مفاهیم و معانی را در شعر خود با زبانی شاعرانه‌تر و هنری‌تر بیان کند. به همین دلیل کاربرد این ابزارهای بیانی و فنون ادبی خصوصاً تشبیه و استعاره به شاعر کمک کرده تا مضامین شعری خود را با زبانی قویتر بیان کند و این تعبیر تازه و تصویرآفرینیها شعر وی را حیات و تازگی بخشیده است، چون شاعر تمایل ندارد معانی صریح را بطور ساده و بی‌پیرایه بیان کند و از اینرو توجه او به صورخیال و آرایه‌ها در حدی است که بتواند معانی بلند فکری و اندیشه خود را به رشته نظم بکشد. او شاعری است که با داشتن دغدغه‌های بسیار و تلاش در طرح مفاهیم اخلاقی، علاوه بر محتوا به فرم نیز توجه داشته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان استخراج شده است. آقای دکتر احمدرضا یلمه‌ها راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مرجان باقرزاده به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

The Holy Quran

Ghazali, Mohammad. (2015). *Kimiaye Sa'adat*, Tehran: Negah, p.41.

- Homayi, Jalaluddin. (2000). Rhetoric Techniques and Literary Crafts, Tehran: Ney Publishing, p.39.
- Ibn Arabi, Muhammad. (1293 AH). Fotuhat Makke, vol. 2, Tehran: Islamic Guidance, pp. 288-290.
- Kazazi, Mir Jalaluddin. (1995). Aesthetics of Persian speech: Badie, Tehran: Markaz Publishing, p.48.
- Khanlari, Parviz. (2010). The weight of Persian poetry, Tehran: Iranian Culture Foundation, p.24.
- Mohammad Hussein ibn Mohammad Ja'far. (13th century). Kunz al-Ma'arif, No. 10-2156, Tehran: Majles Library.
- Motahedin, Jaleh. (1996). Repetition and the value of its rhetorical forms, Mashhad: Ferdowsi University, p.516.
- Rumi, Jalaluddin. (2011). Masnavi, Karim Zamani, Tehran: Amirkabir.
- Safavi, Cyrus. (2001). Linguistics and Literature, Tehran: Sure, p.2.
- Sajjadi, Seyed Jafar. (2005). Farhang-e Ma'aref-e Islami, Tehran: Iranian Authors and Translators Company, p.45.
- Sajjadi, Seyed Jafar. (2014). Dictionary of Terms, Tehran: Tahoori, p.124.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1989). Poetry Music, Tehran: Agah.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (2009). Images of Imagination in Persian Poetry, Tehran: Agah.
- Shamisa, Sirus. (2007). Bayan, Tehran: Ferdows.
- Shamisa, Sirus. (2007). Introduction to Prose and Rhyme, Tehran: Mitra, p.226.
- Shamisa, Sirus. (2010). Stylistics, Tehran: Ferdows, p.99, 153.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (2011). Farhang-e Emrooz Persian Poetry, Mashhad: Ferdowsi University, p. 81.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. (2005). Step by step to meet God, Tehran: Elmi, p.113, 330.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، تهران: میترا.
- پله پله تا ملاقات خدا، زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴) تهران: علمی.
- تکرار و ارزش صور بلاغی آن، متحدین، ژاله (۱۳۷۴) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زبان‌شناسی و ادبیات، صفوی، کوروش (۱۳۸۰) تهران: سوره.
- زیباشناسی سخن پارسی: بدیع، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳) تهران: نشر مرکز.
- سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۹) تهران: فردوس.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸) تهران: آگاه.
- الفتوحات المکیه، ابن عربی، محمد، (۱۲۹۳ق) ج ۲، تهران: ارشاد اسلامی، صص ۲۸۸ - ۲۹۰.
- فرهنگ امروز شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۰) مشهد: دانشگاه فردوسی.

فرهنگ مصطلحات، سجادی، سید جعفر (۱۳۹۳) تهران: طهوری.
فرهنگ معارف اسلامی، سجادی، سید جعفر (۱۳۸۴) تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۹) تهران: نشر نی.
کنزالمعارف، محمدحسین بن محمدجعفر (۱۳ قرن) شماره ۱۰- ۲۱۵۶، تهران: کتابخانه مجلس.
کیمیای سعادت، غزالی، محمد (۱۳۹۴) تهران: نگاه.
مثنوی، مولوی، جلال‌الدین (۱۳۹۰)، شرح کریم زمانی، تهران: امیرکبیر.
موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸) تهران: آگاه.
وزن شعر فارسی، خانلری، پرویز (۱۳۸۹) تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

معرفی نویسندگان

مرجان باقرزاده: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
(Email: Mbagherzadeh155@yahoo.com)
احمد رضا یلمه‌ها: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
(Email: Ayalameha@yahoo.com نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Marjan Bagherzadeh: PhD student in Persian language and literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.
(Email: Mbagherzadeh155@yahoo.com)
Ahmad Reza Yelmeha: Professor of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.
(Email: Ayalameha@yahoo.com نویسنده مسئول)